

ریشه‌های محبت

عارفان اختصاص دارد اما از مبحث گسترده‌تر موضوع عرفان غافل نمانده است. تمرکز کتاب بر آن است که به نظاره عارفان در متون اصلی همان عارفان بنشیند و این بسی بهتر از آن است که بدانیم آنان در چه دوره‌ای می‌زیستند... در این کتاب تأکید خاص بر نفس تجربه عرفانی است و این درست همان چیزی است که خود عارف نیز مایل است آن را نشان دهد و به این وسیله می‌کوشد توجه عموم را به این جلب کند که رؤیت‌ها و مکاشفه‌ها و شنیدن اصوات عرفانی امری ممکن است.

در فصل نخست کتاب، سرچشمه‌ها، به انگیزه‌ها و روش‌های عرفانی در فرهنگ و تمدن رومی - یونانی پرداخته می‌شود و نیز مذهب‌هایی که ریشه در آئین میترائیسم و خورشیدپرستی ایران باستان داشته‌اند. نویسنده معتقد است نافذترین تأثیرات در مفاهیم اساسی دین مسیحی از طریق عارفان باطنی یهود حاصل شده است و روح عرفانی سنت عبرانی، حضرت موسی بود که خداوند به اعانت نازل الهی در سدرهٔ انسانی با او مکالمه کرد (خروج ۳۱۴) و به او مژده و بشارت زهای بنی‌اسرائیل از اسارت مصریان را خبر داد و او را با وقوع معجزات قوی دل ساخت. فائینگ معتقد است «سه انجیل همخوان (یعنی متی، مرقس و لوقا) اظهار می‌دارند که حضرت عیسی برخی از تعالیم سری را فقط به اعضاء محفل خصوصی خویش می‌آموخت (چون با شاگردانش به خلوت می‌نشست اسرار ملکوت را بیان می‌فرمود) به این نحو که به موازات آن که حقیقت و بشارتی را برای شنوندگان معمولی تدارک می‌دید ولی درک عنصر مکنون آنها را تنها به آثانی ارزانی می‌داشت که شایستگی داشتند.»

بخش دوم کتاب اختصاص به بررسی وضعیت عرفان و عارفان تأثیر گذار و شاخص مسیحی در کلیسای شرقی - که شامل زهاد اسکندرانی، آباء بیابانگرد کلیسای بیزانس و روس می‌شود - آغاز می‌کند. او به شرح حال کلمنت اسکندرانی (۱۵۰ - ۲۱۶) نخستین مسیحی عارف در کلیسای شرق که تأثیر بسیاری بر اطراف خود گذاشت می‌پردازد و از برجسته‌ترین قائل مسیحی قرن چهارم در کلیسای بیزانس. گریگوری نوسایی (۳۳۵ - ۳۹۵) یاد می‌کند. همان که نوشت «هدف غایی شخص عاقل و فرزانه شهود است که شامل ندیدن می‌شود. زیرا آنچه که متعالی از هر نوع معرفتی است وجودی مجزا از همه شوائب از طریق نوعی عماء است» که گریگوری نوسایی آن را به عنوان «عماء بیضاء» یا «تاریکی روشن» نمایان می‌کند. در فصل سوم کتاب که به شرح کلیسای غربی در قرون وسطی پرداخته می‌شود نویسنده به شرح آرا و عقاید سه تن از بنیانگذاران و پائیان عرفان غربی می‌پردازد که عبارتند از: یوآنس کاسپانوس یا ژان کاسینی (۳۶۵ - ۴۳۵)، آگوستین قدیس (۳۵۴ - ۴۳۰) و نیز پاپ گریگوری اول منقلب به کبیر (۵۹۰ - ۶۰۴). در این بخش که مفصل‌ترین فصل کتاب نیز هست می‌توان به چشم‌اندازی جامع از وضعیت عرفان و عارفان مسیحی آگاه شد و از تمامی فرقه‌ها و آئین‌ها به علاوه افراد تأثیر گذار و بنیانگذاران مک‌ها و مرام‌ها اطلاعات مفیدی به دست آورد.

فصل چهارم کتاب به معرفی عارفان در اروپای مدرن اولیه اختصاص دارد که در آن اندیشه‌های بزرگانی چون پاسکال معرفی می‌شود و موضع آتابانیست‌ها و لوتری‌ها را به تفصیل شرح می‌دهد. فصل پنجم و پایانی کتاب نیز به عارفان بعد از دوره اصلاحات در انگلستان و آمریکا اختصاص دارد. در این بخش همچنین نگاهی به احیای عرفان در انگلستان قرن بیستم انداخته شده است.

به هر تقدیر، استیون فائینگ کتاب بسیار ارزشمندی را نوشته که کل تاریخ عرفان مسیحی را در مذاهب ارتدکسی، کاتولیکی و پروتستانی در برمی‌گیرد. خواننده فارسی‌زبان با خواندن این کتاب با تحولات و مضامین و وجوه عارفان مسیحی آشنا می‌شود. بازی، شاید بتوان پیام عارفان (مسیحی) را در این جمله آگوستین خلاصه کرد که: «محبت‌نما و آنچه خواهی کن... بگذار محبت در تو ریشه کند و از این ریشه چیزی جز نیکی بر نیاید.»



عارفان مسیحی / استیون فائینگ / ترجمه فریدالدین رادمهر / انتشارات نیلوفر / چاپ اول / ۱۳۸۴. ۲۲۰۰ نسخه / ۴۸۰ صفحه / ۵۵۰۰۰ تومان

«عارفان مسیحی» از معدود کتاب‌های موجود در زبان فارسی است که درباره عارفان مسیحی به بحث و بررسی می‌پردازد. این کتاب ترجمه‌ای است از (Mystics of the christian tradition) اثر استیون فائینگ که در سال ۲۰۰۱ از سوی انتشارات راتلج (Routledge) منتشر شده است.

فائینگ دکترای تاریخ دارد و هم‌اکنون در رشته تاریخ و تاریخ دین در دانشگاه ایلینویز در شیکاگو مشغول تدریس است. تخصص وی تاریخ و فرهنگ قرون وسطی است و در این زمینه دارای کتاب‌ها و مقالات بسیاری است که در نشریات و دائره المعارف‌های گوناگون به چاپ رسیده است. علائق اخیر او در زمینه تاریخ عرفان و احوال و عقاید عارفان است. به همین سبب، این کتاب یعنی عارفان مسیحی، افزون بر آن که ابعاد تاریخی فراوان دارد، گلچینی از باورها و عقاید اصیل عارفان به شمار می‌آید.

عارفان به معنای رسیدن به مقام وصال خداوند و شناخت مستقیم او در همه سنت‌های دینی و از آن جمله مسیحیت، یکی از آموزه‌های مهم به حساب می‌آید. در نگاهی تاریخی به این دانش درمی‌یابیم که Mysticism به معنای رازدانی در فرهنگ یونان باستان وجود داشته است. به کسی که اسرار خدایان را می‌دانست و با سکوت معنادار خویش، آن را برای همگان باز نمی‌گفت عارف گفته می‌شد. این کلمه

در باب هر نوع تعظیم باطنی که فرا گرفتن آن فقط برای پاره‌ای از مردم میسر بود، به کار می‌رفت. عمده تعلیمات مذکور به‌طور الهام و نه به حالت اکتسابی فرا گرفته می‌شد. اما در فرهنگ مسیحی عارفان عبارت از شناخت عمیق خداوند است. واقعیتی که خود را در قالب وحی (کلمه) نشان داده و هر که بتواند راز کلمه را دریابد عارف است. عارف مسیحی در پی دانستن راز کلمه است و این علم در نظر او از طرق عادی علم‌آموزی ممکن نیست. در پیدایش عرفان نظری مسیحی نحوه تفسیری که از ظهور کلمه خداوند در قالب لوگوس الهی متجسد ارائه می‌شود، بسیار مؤثر بوده است. بر اساس این تفسیر، اتحاد صمیمی میان پدر و کلمه از طریق روح‌القدس به همهٔ مؤمنان حقیقی اعطا می‌شود. در واقع، حضور روح‌القدس آنها را مستحق عشقی می‌کند که خداوند نسبت به فرزندش دارد. این آموزه در پاره‌ای از آیات کتاب مقدس (دوم قرنتیان: ۳ / ۱۸) به وضوح چنین آمده است: «ما مسیحیان نقابی بر صورت خود نداریم و همچون آینه‌ای روشن و شفاف جلال خداوند را منعکس می‌کنیم و در اثر کاری که خداوند یعنی روح‌القدس در وجود ما انجام می‌دهد، با جلال روزافزون، به تدریج شبیه او می‌شویم.» از آنجا که کلمه هم حضورش برای نفس، صورت خیالی پدر است، نفس هم با اتحادش با کلمه، صورت خیالی کلمه خواهد شد. بنابراین کل فرآیند عرفانی، عبارت از تبدیل نفس به صورت خیالی یا مرآت شدن خداوند است. تأکید بر ویژگی وجودی صورت خیالی خدا در انسان، همه سنت مسیحی را فرا می‌گیرد و راز عرفانی قوی و پیچیده‌ای را شکل می‌دهد. اتحاد نفس با خدا از بنیادی‌ترین اصول عرفان نظری مسیحی است. نفس می‌تواند به آرامش اتحاد با خدا فقط از طریق انکار خویش برسد.

«عارفان مسیحی» مشتمل بر پیشگفتار، پنج فصل و نتیجه‌گیری است. نویسنده در پیشگفتار کتاب می‌نویسد: «این کتاب درباره عارفان مسیحی است، یعنی آنان که بی‌واسطه با خداوند تجربه روحانی داشتند. به هر حال در تحقیق و بررسی عرفان و عارفان، مسأله اصلی همانا یافتن یک تعریف مناسب از عرفان است زیرا در اینجاست که آدمی با مجموعه گسترده و متنوع از تعاریف عرفان روبرو می‌شود که او را شگفت‌زده می‌سازد.»

فائینگ در مورد بررسی زندگی عارفان معتقد است: «با بررسی زندگی عارفان می‌توان به موقعیت خاصی که یک عارف در آن زندگی می‌کرده است، توجه کرد و حیطه تأثیر و نفوذ عارفان صاحب اثر را به سادگی مورد اعتنا قرار داد و می‌توان مقام عرفا و عقایدشان را در نمای وسیعی از سنت‌های عرفانی به عرصه شهود آورد.» در ادامه به روش‌شناسی کتاب اشاره می‌کند و می‌نویسد: «این کتاب عمدتاً به شرح حال